

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

مقایسه اوصاف پیامبران اولوالعزم در مثنوی و قصص الحکم
ابن عربی

استاد راهنما:

دکتر داود اسپرهم

استاد مشاور:

دکتر رضا مصطفوی

دانشجو:

زربانو رئیسی

سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

۱۰۱۰۶۳

سازمان اطلاعات وزارت معنی و
تعمیرات

۱۳۸۷ / ۳ / ۱۱

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: مقایسه اوصاف پیامبران اولوالعزم در مثنوی و فصوص الحکم ابن عربی	
نویسنده / محقق: زربانو رئیسی	
مترجم: -	
استاد راهنما: دکتر داود اسپرهم	استادان داور: دکتر تمیم داری و دکتر مسگرنژاد
استاد مشاور: دکتر رضا مصطفوی	
کتابنامه: دارد	واژه نامه: ندارد
نوع پایان نامه:	<input checked="" type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۸۵-۸۶
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
	دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجی
تعداد صفحات: ۲۰۰ صفحه	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه ها به زبان فارسی:	پیامبران اولوالعزم، اوصاف، مثنوی، فصوص الحکم
	۱۱ / ۳ / ۱۳۸۷
کلید واژه ها به زبان انگلیسی:	Ololazm Prophets, Descriptive, Mathnavi, Phoso-Alhekam

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

بررسی اوصاف پیامبران اولوالعزم در مثنوی و تطبیق آن با فصوصالحکم از منظر مولانا و محی‌الدین ابن عربی و تفاوت و اشتراک اساسی آنها

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه‌ها:

در این پایان‌نامه، با بررسی دو منبع اساسی مثنوی مولوی و فصوصالحکم ابن عربی اوصاف و ویژگیهای پیامبران، ابتدا از مثنوی مولوی استخراج شد و این ویژگیها با اوصاف مطرح شده در فصوصالحکم تطبیق داده شد و اختلافات و اشتراکات آنها بررسی شد. با توجه به هم عصر بودن مولوی و ابن عربی و محیط فکری- فرهنگی (قونیه، شام، حلب) آنان به نظر می‌رسد بین اندیشه و مشرب آنها هم‌خوانیهای زیادی دیده شود.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روشهای نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

روش تحقیق کتابخانه‌ای بوده است. با مراجعه به مراجع اصلی و فرعی، مطالب مورد نظر گردآوری و در فیشها ثبت آنگاه به بررسی و مقایسه ویژگیهای پیامبران در دو منبع اصلی (مثنوی و فصوصالحکم) پرداخته شد. ابیات از شش دفتر مثنوی استخراج و مشروح مورد نظر نیز بررسی و تطبیق شد.

ت. یافته‌های تحقیق:

اوصاف مشترک بین مولوی و ابن عربی به جهت اشتراک زمانی و جغرافیایی زیاد است. این ویژگیها به صورت مشترک بین این دو عارف دیده می‌شود، ولی زبان عرفانی ابن عربی دشوار و مولوی مطالب را به صورت ساده‌تر بیان کرده است.

ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

براساس بررسی‌های به عمل آمده برای یافتن پاسخ به این سؤال که اوصاف پیامبران اولوالعزم در مثنوی و فصوصالحکم چه وجوه اشتراک و افتراقی دارند به این اصل می‌رسیم که ابن عربی و مولوی هر دو در رابطه با اوصاف پیامبران اولوالعزم اعتقادات یکسانی داشته‌اند با این تفاوت که ابن عربی با تأویل آیات و قصص به شیوه خاص خود به نکاتی پرداخته که شاید در شرحها و تفاسیر متعدد کمتر به این جنبه‌ها و نکات مهم توجه شده است مولوی با بیان اوصاف مربوط که برگرفته از آیات قرآن، احادیث و روایات می‌باشد در قالب داستانها و قصص متعدد به تعلیم و تذکیر آنها پرداخته است پیشنهاد می‌شود در طرحهای تحقیقی و پژوهشی بعدی اوصاف پیامبران (غیر از اولوالعزم) ذکر شده در فصوصالحکم نیز بررسی و با مثنوی تطبیق داده شود.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نماییم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

تشکر و قدردانی

«من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»

اکنون که به یاری خداوند منان این پژوهش به پایان رسیده است وظیفه خود می‌دانم از زحمات بی‌شائبه و راهنمایی و مشورتهای سودمند جناب آقای دکتر اسپرهم (استاد راهنما) که خوشه‌چین خرمن فضل وی بوده‌ام قدردانی کنم. همچنین سپاس فراوان خود را تقدیم جناب آقای دکتر مصطفوی (استاد مشاور) می‌نمایم که با گشاده‌روی، محبت، چنان مشاوره دانشمند یاریم کردند. همچنین باید از کلیه دوستان که در این تحقیق مرا یاری کردند سپاسگزاری نمایم. از سرکار خانم حاجی‌زاده (واژه‌نگار) که در مرحله آماده‌سازی کار، یاری کردند تشکر می‌نمایم. برای همه کسانی که یاریم کردند آرزوی توفیق دارم.

تقدیم به:

زننده یاد مهربان پدرم:

تو را سپاس که با بی‌فروغ شدن ستاره وجودت در آسمان زندگی‌ام، نور یادت تا ابد گرمابخش قلب من است.

و عزیزترینم مادرم:

تو را سپاس که اینار و محبتت تا بی‌کران‌ها روشنگر راهم شد.

و تو ای خوب‌ترین همسرم:

تو را سپاس که لطف و گذشت تو در سفر زندگی‌مان ستودنی‌ترین مسیر به سوی فرداهاست.

چکیده

در این پژوهش اوصاف پیامبران اولوالعزم در مثنوی و فصوص الحکم اثر دو عارف بزرگ هم عصر یکی مولوی شاعر و عارف بزرگ اوایل سده هفتم هـ.ق و دیگری ابن عربی عارف برجسته اواخر قرن ششم هـ.ق مورد بررسی قرار گرفت و مطالب گردآوری شده در پنج فصل ارائه شد. در ذیل به اختصار به شرح این فصول می‌پردازیم:

فصل اول: به علت هم‌عصر بودن و نزدیکی از لحاظ مناطق محل زندگی مولوی در بلخ و ابن عربی در مرسیه و احتمال متأثر بودن مولوی که متأخرتر از ابن عربی است، به استناد شواهدی رد این احتمال به اثبات رسید و برخی وجوه اشتراک و افتراق این دو عارف بزرگ ذکر شد.

فصل دوم: که مهم‌ترین فصل پژوهش حاضر است. در این فصل، پس از گردآوری اوصاف مشترک در هر دو اثر ابتدا با استناد به تفاسیر و کتاب قصص الانبیاء، درستی آن صفت بررسی شد و اینکه گفته مولوی و ابن عربی تا حدی با منبع اصلی مطابقت یا تناقض دارد و در آخر هر مبحث به بررسی اینکه مولوی و ابن عربی در مورد آن صفت اتفاق یا اختلاف نظر دارند پرداخته شد که البته دیدگاه و تأویلات خاص مولانا و شیخ اکبر در هر صفت بیان شده است و ابن عربی با دیدگاه وحدت وجودی خاص خود او، اوصاف را تأویل کرده که در اغلب موارد نکاتی مهم و متفاوت از آنچه که اکثریت شارحان و محققان اتفاق نظر دارند است.

فصل سوم: تنها اوصافی است که در مثنوی ذکر شده در این فصل آمده است.

در فصل چهارم به بیان اوصافی که در فصوص اشاره شده پرداختیم.

در فصل پنجم: نتیجه‌گیری کلی به اجمال مطالب مذکور در پایان‌نامه یادآوری شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۲.....	مقدمه.....
۴.....	زندگی ابن عربی.....
۵.....	آثار ابن عربی.....
۹.....	وحدت وجود از دیدگاه ابن عربی.....
۱۱.....	دیدار با خضر.....
۱۳.....	سبک ابن عربی در فصوص الحکم.....
۱۴.....	زندگینامه مولوی.....
۱۶.....	آثار مولوی.....
۱۷.....	مولوی و ابن عربی.....
۲۰.....	اشتراکات در تفکر و اندیشه عرفانی مولانا و ابن عربی.....
۲۱.....	عالم خیال.....
۲۲.....	وجه افتراق در تفکر و اندیشه عرفانی مولانا و ابن عربی.....
	فصل دوم: اوصاف مشترک پیامبران اولوالعزم در مثنوی و فصوص الحکم
۲۵.....	نوح (ع).....
۲۵.....	- قوم نوح.....
۳۰.....	- نوح و ادیس.....
۳۱.....	ابراهیم (ع).....
۳۱.....	- بت شکنی.....
۳۳.....	- قربانی کردن فرزند.....
۴۰.....	- گلستان شدن آتش.....
۴۵.....	موسی (ع).....
۴۵.....	- گوساله سامری.....
۵۰.....	- داستان خضر و موسی (ع).....

- ۵۵ داستان تولد موسی
- ۶۷ تبدیل عصا به مار
- ۷۶ تجلی حق در آتش
- ۸۰ عیسی (ع)
- ۸۰ تولد
- ۸۴ معجزات
- ۹۲ رفتن به آسمان چهارم و مصلوب کردن عیسی (ع)
- ۹۸ پیامبر اکرم (ص)
- ۹۸ زن از منظر آن حضرت
- ۱۰۳ نماز
- ۱۰۷ امت پیامبر
- ۱۰۹ حدیث من عرف نفسه فقد عرف ربه

فصل سوم: اوصاف پیامبران اولوالعزم در مثنوی

- ۱۱۲ نوح (ع)
- ۱۱۲ همسر نوح
- ۱۱۳ پسر نافرمان (کنعان)
- ۱۱۷ کشتی
- ۱۲۰ ابراهیم (ع)
- ۱۲۰ آرد شدن ریگ
- ۱۲۱ تولد
- ۱۲۲ اواه بودن
- ۱۲۲ لا احب الاقلین
- ۱۲۴ بیزاری از آزر
- ۱۲۵ کشتن چهار پرنده
- ۱۳۰ موسی (ع)
- ۱۳۰ قوم
- ۱۳۰ مناجات شبان
- ۱۳۵ گاو موسی
- ۱۳۵ ید بیضاء
- ۱۳۷ عیسی (ع)
- ۱۳۷ سخن گفتن در مهد

- پیامبر اکرم (ص) ۱۳۹
- ستون حنانه ۱۳۹
- شق القمر ۱۴۱
- سوره ضحی ۱۴۳
- شهادت دادن سنگریزه ۱۴۴
- شنیدن بوی از یمن ۱۴۵
- احادیث و روایات ۱۴۶
- برتری پیامبر (ص) ۱۵۰
- برتری در سایر ادیان ۱۵۳
- طوبی من رأی مصطفی ۱۵۵
- معراج ۱۵۶
- شب تعریس ۱۵۸
- سایر اوصاف پیامبر (ص) در مثنوی ۱۵۸
- لا تفکرو فی ذات الله ۱۵۸
- گنجیدن حق در دل مومن ۱۵۹
- امی بودن ۱۵۹
- مشورت ۱۶۰
- انفاق ۱۶۰
- سوار بر مرکب ۱۶۱
- خوش خو ۱۶۱
- رها کردن نماز جمعه به خاطر مال ۱۶۲
- شأن نزول روایت لولاکی ۱۶۳
- ظاهر شدن جبرئیل بر پیامبر (ص) ۱۶۴

فصل چهارم: اوصاف پیامبران اولوالعزم در فصوص

- نوح (ع) ۱۶۷
- حکمت سبوحیه ۱۶۷
- قوم نوح (ع) و پیامبر اکرم (ص) ۱۶۸
- ابراهیم (ع) ۱۶۹
- حکمت مهیمه ۱۶۹
- وجه تسمیه خلیل ۱۷۰
- مهمان نوازی ۱۷۱

۱۷۳ موسی (ع)
۱۷۳	- حکمت علویه
۱۷۵	- هارون رحمت خدا
۱۷۶	- حکمت سوال فرعون از ماهیت حق
۱۷۷	- ایمان فرعون
۱۷۹ عیسی (ع)
۱۷۹	- حکمت نبویه
۱۸۱	- دشمنی یهود
۱۸۲	- تواضع
۱۸۳	- عبد بودن و اختلاف نظرها
۱۸۵ پیامبر اکرم (ص)
۱۸۵	- طیب
۱۸۶	- ازلی بودن
۱۸۹	- حکمه فردیه

فصل پنجم: نتیجه گیری

۱۹۱ نتیجه گیری
۱۹۸ فهرست منابع و مآخذ:

فصل اوّل

کلیات

مقدمه

مولوی شاعر سده هفتم هجری از شاعران و عرفای بزرگ عصر خود بوده که عرفان او عرفان عملی بوده اثر مشهورش مثنوی معنوی است در این کتاب به بیان تمثیلات و قصص مختلف پرداخته است در اینجا شایسته است از دیگر عارف بزرگ این قرن ابن عربی هم به خاطر ارتباط موضوع یادی نمود. ابن عربی از عرفای اواخر قرن ۶ هجری قمری است که با خلق آثاری بزرگ همچون *فصوص الحکم فتوحیات المکیه* و... به طرز شایسته‌ای به تفسیر و تبیین عرفان نظری خود پرداخته است در این تحقیق هدف این است که به بررسی روابط ابن عربی و مولوی پرداخته و اینکه این دو عارف بزرگ تا چه حد متأثر از هم بوده‌اند و آنچه که به طور بارزتر بدان توجه شده مقابله صفات پیامبران اولوالعزم در دو اثر مشهور ابن عرفای بزرگ یعنی مثنوی مولوی و *فصوص الحکم* ابن عربی و اینکه کدام اوصاف پیامبران در چه جنبه‌های از دیدگاه ابن عربی و مولوی مشترک بوده‌اند و در کدام جنبه‌ها وجوه افتراق وجود دارد.

پژوهش حاضر با تأکید بر روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. روش اسنادی و کتابخانه‌ای از روشهای تحقیق در علوم انسانی است که در این روش اسناد و ادبیات پیرامون موضوع مهم‌ترین منبع، تدوین یافته‌هاست. در پژوهش حاضر نیز تلاش بر این بوده است تا از اسناد و آثار پیرامون موضوع استفاده شده و داده‌ها با تأکید بر اسناد موضوع در این زمینه مورد تحلیل قرار گیرد.

در این پژوهش ابیات مرتبط با اوصاف پیامبران استخراج و معنی و مفهوم آنها مورد تحلیل قرار گرفت. در مرحله بعدی مطابق کتابهای جنبی مختلف از جمله تفاسیر عرفانی، احادیث و قصص مثنوی و قصص الانبیاء بررسی شد. در این مرحله سعی شد تمام موارد مربوط با اوصاف پیامبران که در این

کتابها آمده، تحلیل شود. آنگاه به بررسی اندیشه ابن عربی درباره پیامبران ابتدا از فصوص الحکم و سپس از کتابهای مربوط با آن استخراج شد. در نهایت، مطالب مثنوی با فصوص الحکم تطبیق شد و موارد مشترک و وجوه افتراق بیان شد.

مطلب گردآوری شده از منابع متعدد که همان شروح مختلف بر مثنوی و فصوص الحکم مورد استفاده قرار گرفت و تمام اوصاف از دو کتاب استخراج شد و ویژگیهای مشترک و از دیدگاه ابن عربی و مولوی و اینکه چگونه مطالب را تفسیر و تأویل نموده‌اند بیان شد و اینکه چه صفاتی در مثنوی اشاره شده که در فصوص مورد توجه قرار نگرفته و بالعکس.

پیشنهاد می‌شود در طرحهای تحقیقی و پژوهشی بعدی، اوصاف پیامبران (غیر از اولوالعزم) هم بررسی شود و با مثنوی تطبیق داده شود.

زندگی ابن عربی

ابوبکر محمد بن علی از قبیله حاتم طایی معروف به القاب محیی الدین و شیخ اکبر و ابن افلاطون در ۱۷ رمضان سال ۵۶۰ هـ ق به روزگار خلافت المستنجد در شرق در شهر مرسیه دیده به جهان گشود. ابن عربی از خانواده‌ای اشرافی، ثروتمند و بسیار پرهیزگار بود وی از پدر و مادر خود ماجراهایی نقل می‌کند که حاکی از تقوای بسیار است هشت ساله بود که مرسیه به دست موحدین افتاد و او به همراه خانواده‌اش به اشبیلیه نقل مکان کرد. او باید آموزشهای ادبی و دینی را کاملاً فرا گرفته باشد زیرا در نوشته‌های خود بارها به اساتیدش در علم قرائت، تاریخ، ادبیات، شعر و حدیث اشاره می‌کند وی به‌ویژه در اشبیلیه کتابهای اصلی هر رشته‌ای را نزد این اساتید خواند و در آغاز گرایش به زندگی زاهدانه نداشت بلکه به شعر و شکار سرگرم بود. نجیب‌زادگی و تواناییهای ادبی ابن عربی سبب گردید که وی بزودی منصب دبیری در حکومت اشبیلیه را بدست آورد و با مریم دختر محمد بن عبدون بن عبدالرحمن بجایی ازدواج کند بنی عبدون خاندان شریفی بودند و مریم نیز بانوی صالحه‌ای بود و شاید اندرزهای همین همسر ابن عربی و الگویی که در وجود او دید وی را بر آن داشت تا مسیر زندگی خویش را تغییر دهد البته دعاهای مادر پیرش هم مزید بر علت بوده است و نیز بیماری سختی که ابن عربی به آن دچار شد به کمک این عوامل آمد او در اثنای این بیماری دچار تب شدید شد که با مشاهده صحنه‌های هولناک و وحشتناکی از عذاب دوزخ همراه بود او به برکت دعاهای پدرش که تا صبح بر بالین وی بیدار و به تلاوت سوره یس مشغول بود از این بیماری نجات یافت. ابن عربی قریب هشتاد سال عمر کرد و در سال ۶۳۸ در بیست و هشتم ماه ربیع‌الآخر در دمشق در منزل ابن الزکی در حالی که این قاضی و خانواده‌اش و صوفیان پیروش وی را در میان گرفته بودند دیده از جهان فروبست

و او را در بیرون از دمشق به روستای صالحیه واقع در شمال شهر و در دامنه کوه قاسیون که زیارتگاه مشهوری در میان مسلمانان است و معتقدند که تمام پیامبران به‌ویژه خضر به آنجا قدم نهاده‌اند منتقل ساختند و او را در آرامگاه مخصوص ابن الزکی به خاک سپردند.

آثار ابن عربی

زهد جانفرسایی که ابن عربی از همان نوجوانی در پیش گرفت چندان که از میان طریقه‌ها و ریاضتهای صوفیانه سخت‌ترین را برگزید مسافرت‌های پیاپی او که به منظور انجام دادن وظیفه یک صوفی جهانگرد صورت می‌گرفت اقامت طولانی‌اش در شرایط محیطی دشوار، به علاوه کار مستمر او در نگارش به گفته زندگینامه نویسان ابن عربی، بیش از چهارصد کتاب همه و همه کار خود را کرد و بر سلامتی ابن عربی در مرحله پایانی از زندگی او اثر گذاشت به‌ویژه آنکه علائم و قرائن روشنی در دست است که نشان می‌دهد وی از بنیه‌ای چندان قوی هم برخوردار نبوده است پدیده‌های خارق‌العاده فراوانی که ابن عربی در زندگی خود با آنها دست به‌گریبان بود و در کتاب فتوحات با دقت و تفصیل شرحشان می‌دهد آنها را به عنوان نشانه‌های خارق‌العاده اتحاد صوفیانه تفسیر و معرفی می‌کند همگی نشانه بیماری هستند و بیانگر گونه‌ای اختلال عقلی می‌باشند او خود در کتاب فتوحات خود اعتراف می‌کند که به هنگام نگارش کتاب‌هایش ذهن و فکر او مانند یک انسان عاقل عادی کار نمی‌کرده و این کتابها را به شیوه معمول نویسندگان ننگاشته است زیرا نتوانست خود را از سلطه تأثیر وحی الهی که به او دیکته می‌کرد در کتاب‌هایش باید چه بنویسد و چه ننویسد رهایی بخشند به طوری که در این زمینه اختیار چندانی از خود نداشت. از جمله آثار او الحکمه‌الالهامیه، فصوص‌الحکم، فتوحات‌المکیه و الدیوان می‌باشد برای آشنایی بیشتر شرح مختصری از این کتابها و آثار او را در زیر بیان می‌داریم:

• **الحکمه الالهامیه** این کتاب به سبک تهافت الفلاسفه غزالی و در رد و ابطال مکتب مشائیان است و در مقدمه آن می‌گوید که وقتی نگارش آن را آغاز کرد به بیماری سردرد و ناتوانی ذهنی دچار گشت اما از این بیماری سود فراوان برد زیرا که بیماری‌اش به او اجازه نداد که در این مسائل طبیعی و متافیزیکی بیاندیشد و در عوض خداوند راه حل آنها را به او الهام فرمود بی آنکه درباره این مسائل به تأمل و تفکر پردازد.

• **دیوان:** ابن عربی این اثر را باید بعد از سال ۶۳۱ هـ.ق (۱۲۳۲ م) سروده باشد زیرا که یکی از قصاید موجود در دیوان این تاریخ را دارد (دیوان ص ۱۴۴، ۱۴۶) اشعار دیوان اشعاری مصنوعی است که بازیهای لفظی و متناقض در آن فراوان است و ساختار فرا طبیعی آن هرگونه حالت الهام و زندگی را از این اشعار سلب می‌کند.

• **الفتوحات المکیه:** نظر به سترگی حجم فتوحات، پذیرفتنی نیست که وی این کتاب را در مدت محدودی از زندگی‌اش نگاشته باشد در سال ۶۲۸ هـ.ق در واقع اوایل جز چهارم آن را می‌نوشته است (ج ۴ ص ۱۰۵) اما این نیز مسلم است که وی در سال ۶۳۴ هـ.ق هنوز سرگرم نوشتن خاتمه جز دوم بوده و سال بعد ۶۳۵ هـ.ق جز سوم را می‌نوشته است (ج ۲ ص ۱۹۵ ج ۳ ص ۴۴۶) این آشفتگی در تألیف را جز با این فرض نمی‌توان تفسیر و توجیه کرد که پیش از تحریر نهایی فتوحات آن را به صورت مسوده و پیش‌نویس انجام می‌داده است می‌توان این کتاب را خلاصه‌ای شامل تمام تألیفات ابن عربی دانست در رابطه با انگیزه‌هایی که او را به تحریر نهایی این کتاب واداشتند داده‌ها و شواهد مسلم و درستی در اختیار است مثلاً در مقدمه فتوحات صراحتاً می‌گوید پس از آنکه قدس و مدینه را زیارت کرد و برای نخستین بار به مکه درآمد خداوند این اندیشه را در مغز او افکند که

الهاماتی را که خداوند در هنگام اشتغالش به طواف بیت‌الله العتیق و به طور کلی در اثنای اقامتش در ام‌القری باب آنها را برایش گشوده بود و عنوان کتاب یعنی الفتوحات المکیه فی معرفه الاسرار المالکیه والملکیه نیز از همین جا آمده است به دو دوستش محمد عبدالعزیز تونسسی و عبدالله بدر حبشی بشناساند. مقدمه این کتاب بزرگ ملهم از رویای شگفتی بود. شبی حضرت محمد (ص) را خواب دید در حالی که جمیع پیامبران و فرشتگان و اولیا و علمای مسلمان او را در میان گرفته بودند پیامبر از ابن عربی خواست که بر منبر حضرت رود و برد سفید خود را به او خلعت داد ابن عربی بر منبر رفت و خطبه مفصلی ایراد کرد که به گفته خودش از وحی روح القدس بود این خطبه همان مقدمه کتاب فتوحات است (ج ۱ ص ۳-۷) به دست دادن اندیشه‌ای منسجم و یکدست از درونمایه این کتاب که نسبت به علوم مستوره در نزد مسلمانان چون کتاب مقدس محسوب می‌شود غیرممکن است چرا که برخلاف کتب مشائی و کلامی اسلامی که در آنها طرح و نظمی منطقی دقیقی می‌یابیم در کتب تصوف به‌ویژه کتابهای ابن عربی مسائل مختلف تحت باب واحدی و بدون نظم و سامانی که طبیعت موضوعات اقتضا می‌کند و بلکه به دلایلی خارجی که فاقد اساس فلسفی و حتی الهیاتی هستند مطرح می‌شوند. فتوحات دارای مقدمه‌ای طولانی مشتمل بر اندیشه‌های کلامی و روانشناختی و مابعدالطبیعی است که ابن عربی آنها را به گونه‌ای ساده و بی‌پیرایه و به دور از هرگونه برهان و یا تفصیلی عرضه کرده است. بخشی از این مقدمه عیناً همان مطالب دو رساله ابن عربی است یکی رساله‌المعلوم من عقائداهل‌الرسوم که در آن به شرح عقیده سنی برای قشری که در سطحی بالاتر از عامه مسلمانان قرار دارند پرداخته شده است و دوم رساله‌المعرفه که عصاره و خلاصه عقاید بلند او در مابعدالطبیعه است و مخاطب آن فقط سالکانند. کتاب به شش فصل کلی تحت عناوین: معارف،

معاملات، احوال، منازل، منازل، مقامات و به طور کلی دارای ۵۶۰ باب است که در ابتدای هر بابی به عنوان مقدمه و پیش درآمد آن شعری کوتاه یا بلند می‌آورد که همیشه هم با موضوع آن باب همخوانی ندارد.

تعیین تاریخی دقیق برای تمام مصنفات ابن عربی کاری ناشدنی است اما گزافه نیست اگر بگوییم که وی در دوره پایانی حیات خویش شمار زیادی از مهمترین تألیفاتش را نگاشته است. اگر فقط بر پایه عنوانها حکم کنیم کتابهای الفتوحات المدنیه، التنزلات الموصلیه و تاج الرسائل را از نوع فتوحات خواهیم یافت وی در این سه کتاب وارداتی را که در اثنای اقامتش در مدینه و موصل و مکه خداوند به او الهام فرموده ثبت نموده است.

کتابهای عنقاء مغرب و التدبیرات الهیه که در آنها به شرح و تفصیل نظریه‌اش درباره انسان به عنوان عالم اصغر می‌پردازد.

از میان کتب تفسیر دو کتاب التفسیر الکبیر که موفق به اتمام آن نشد و کتاب معروف به تفسیر شیخ الاکبر که این آخری تفسیری نمادین و صوفیانه از قرآن کریم است و ابن عربی در آن عنان خنامه‌اش را در تأویل نمادین و باطنی قرآن رها کرده است.

در زمینه زهد رساله‌ای دارد با عنوان تحفه السفره و رساله دیگری با نام المحکم که دومی خلاصه دقیقی است از قواعد و مقرراتی که اهل طریقت باید از آنها پیروی کنند.

کتاب محاضره الابرار که باید پس از سال ۶۲۳ هـ.ق آن را تألیف کرده باشد این کتاب از نوع

کشکولها یا جنگهای ادبی است. (زندگی و مکتب ابن عربی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴-۱۲۶)

و اما **فصوص الحکم** در پایان محرم سال ۶۲۷ هـ ق پیامبر خدا (ص) بر ابن عربی آشکار می‌شود و کتابی با عنوان **فصوص الحکم** به او می‌دهد و امر می‌کند چون در این کتاب کمال صوفیانه و عارفانه است آن را در میان مردم منتشر سازد و او در کتابش چنین می‌نویسد: «در مبشره‌ای در دهه آخر محرم سال ششصد و بیست و هفت در محروسه دمشق به من نمایانده شد پیامبر خدا (ص) را دیدم که در دستش کتابی بود و به من فرمود این کتاب **فصوص الحکم** است بگیر و در میان مردم منتشر کن تا از آن بهره گیرند گفتم از فرمان خدا و رسول او و اولوالامر خود اطاعت می‌کنم که به این فرمان داده شده‌ایم نیت را پاک گردانیدم و آستین همت بالا زدم تا این کتاب را همچنان که پیامبر خدا (ص) برایم مشخص کرده بود بی‌هیچ کم و زیادتی آشکار سازم» این کتاب یکی از کتابهایی است که ابن عربی را به عنوان نویسنده صاحب رویاها در میان صوفیه بلند آوازه ساخت او در این کتاب غریب‌ترین نظریاتش را در باب وحدت وجود در قالب یک رشته الهامات که آنها را متوالیاً به تعلیم بیست و هفت پیامبر اصلی به استثناء لقمان از میان مجموع پیامبرانی که اسلام آنان را از آدم تا خاتم به رسمیت می‌شناسد ارائه می‌دهد.

وحدت وجود از دیدگاه ابن عربی

بر **فصوص الحکم** شروح و حواشی بسیار زیادی نوشته شده است این شروح از زمان حیات خود ابن عربی با نوشتن شرح **فصوص الحکم** توسط شاگردش صدرالدین قونوی آغاز شد این تفسیر و تبیینها سازگار با مذهب سنی صورت می‌گرفت تا در برابر دیگر صوفیان بزرگی مانند تفتازانی و قاری هروی که ابن عربی را متهم به وحدت وجودی کردند ثابت کنند که مذهب ابن عربی با مذهب اهل سنت